**جمهوری اسلامی از دیدگاه منصور حکمت**

*یک سئوال از حمید تقوائی در مورد نظرات منصور حکمت در قبال جمهوری اسلامی و شرایط سیاسی ایران*

انترناسیونال- پس از گذشت ده سال از مرگ منصور حکمت، نظرات و مواضع او درباره جمهوری اسلامی و کلا وضعیت سیاسی در ایران اکنون یعنی سال ۹١، تا چه میزان قابل انطباق و معتبر است؟

حمید تقوائی- به نظر من تحولات ده سال اخیر نظرات منصور حکمت درمورد جمهوری اسلامی را کاملا مورد تایید قرار داده است. روشن است که بعد از منصور حکمت شرایط سیاسی در ایران - و همچنین در سطح جهانی- بسیار تغییر کرده است. منظور من صرفا تحولات چند ساله اخیر، انقلاب هشتاد و هشت ایران و انقلابات منطقه و بروز انفجاری بحران سرمایه داری و پیامدهای آن، نیست بلکه تحولاتی است که از همان اواخر سال ٢۰۰٢ در ایران آغاز شد. بیاد داشته باشیم که شکل گیری کمیته ها و نهادهای مبارزاتی کارگری و قدم بمیدان گذاشتن فعالین شناخته شده در جنبش کارگری، مبارزات و اعتصابات وسیع نساجیها در سنندج و بخشهای دیگر جنبش کارگری در کردستان، اعتراضات سراسری معلمان، اعتصاب پرشکوه کارگران شرکت واحد، شکل گیری جنبش دفاع از حقوق کودک، مطرح شدن شعار آزادی برابری در دانشگاهها، گسترش و اوجگیری جنبش ضد مذهبی و غیره و غیره همه اینها بعد از درگذشت منصور حکمت اتفاق افتاد. این تحولات تماما منطبق بر تحلیل و تبیینی بود که منصور حکمت از شرایط سیاسی در ایران بدست میداد و پیش بینی میکرد. تحولات چند ساله اخیر، از خیزش انقلابی هشتاد و هشت تا ورشکستگی سیاسی اپوزیسیون پرو رژیمی و تا تشدید بحران درونی جمهوری اسلامی در ابعاد بیسابقه ای که امروز شاهد آن هستیم نیز بطریق اولی تاکید دیگری بر تحلیل و مواضع و نظرات منصور حکمت است.

اولین شاخص نظرات منصور حکمت در مورد جمهوری اسلامی این است که این رژیم از نظر سیاسی واقتصادی و اجتماعی و فرهنگی وصله ناجوری به تن جامعه ایران است و نمیتواند به رژیم متعارف سرمایه داری در ایران تبدیل شود. او نشان میدهد که جامعه ایران، برخلاف ادعای دولتها و رسانه های غربی و اپوزیسیون ملی- اسلامی و حتی برخی از نیروهای اپوزیسیون راست جمهوریخواه و سلطنت طلب، نه تنها یک "جامعه اسلامی" نیست بلکه وسیعا ضد مذهب است و هیچگاه رژیم اسلامی را نپذیرفته است. منصور حکمت انقلاب ٥۷ را تحولی آزادیخواهانه و بر حق و جمهوری اسلامی را عامل و نیروی سرکوب کننده آن میدانست. او از جمله در تحلیل درخشان "تاریخ شکست نخوردگان" نشان میدهد که چطور نه انقلاب بلکه ضد انقلاب در ایران ٥۷ اسلامی بود، چطور و چرا جمهوری اسلامی ادامه رژیم شاه بود و چطور ٣۰ خرداد ٦۰ به ١۷ شهریور ٥۷ و بنی صدر به ازهاری وصل میشود. در شرایط امروز، هم بحران لاعلاج اقتصادی- سیاسی رژیم که بمراتب گسترده تر و عمیق از دهسال قبل شده است و هم رسوائی جهانی رژیم اسلامی در اثر انقلاب ۸۸ بعنوان یک حکومت وحشی و قاتل مردم، صحت تحلیلهای منصور حکمت در مورد نامتعارف بودن حکومت و ناخوانی سیاسی- فرهنگی- اجتماعی آن با جامعه ایران را به یک بدیهیت قابل مشاهده و قابل قبول برای همگان تبدیل کرده است.

شاخص دیگر نظرات منصور حکمت تحلیل اوضاع و تحولات سیاسی ایران بر اساس جنبشهای سیاسی- اجتماعی موجود در جامعه بود. او مشخصا سه جنبش ناسیونالیسم راست طرفدار غرب، جنبش ملی- اسلامی و جنبش کمونیسم کارگری را در ایران باز میشناسد و مورد بررسی قرار میدهد و فعالیتها و موضعگیریهای احزاب و شخصیتها و نیروهای سیاسی را بر متن این سه جنبش اجتماعی و افق و اهداف طبقاتی این جنبشها نقد و بررسی میکند. نظریه جنبشهای منصور حکمت به نظر من یک درافزوده مهم او به مارکسیسم و یکی از ویژگیهای کمونیسم کارگری است که کاربرد جهانی دارد - نظیر ارزیابی شکست انقلاب اکتبر، شناخت شاخه های مختلف چپ غیرکارگری و جایگاه طبقاتی آنها، نقد و شناخت جنبش اسلامی سیاسی و غیره- اما تا انجا که به شرایط مشخص ایران مربوط میشود ارزیابی و بررسی تحولات سیاسی بر مبنای سه جنبشی که گفته شد تبیین و شناخت عمیق و روشنی از روندها و رویدادهای سیاسی بدست میدهد. امروز نیز موضعگیریها و سیاستها و کلا موقعیت و وزن احزاب و شخصیتهای سیاسی چپ و راست کاملا بر مبنای موقعیت جنبشهائی که بسترشان را تشکیل میدهد - از یکسو تضعیف جنبش اسلام سیاسی در منطقه، رسوائی بیش از پیش جنبش ملی - اسلامی و بن بست جنبش راست طرفدار غرب که حاصل بحران جهانی سرمایه است و از سوی دیگر شکل گیری انقلابات و جنبشهای ضد سرمایه داری و به چپ چرخیدن فضای جهانی - قابل بررسی و تبیین است. مسلح بودن به و بکار گرفتن این شیوه و نگرش یکی از نقاط قوت حزب و جنبش کمونیسم کارگری در زمان منصور حکمت و در دوره بعد از او بوده است.

یک بعد دیگر نظرات منصور حکمت - که از برخورد به جمهوری اسلامی فراتر میرود- تحلیل و ارزیابی او از جنبش اسلام سیاسی است. منصور حکمت بروشنی نشان میدهد که این جنبش حاصل شکست پروژه مدرنیزاسیون غربی در کشورهای خاورمیانه در اواخر دهه شصت و اوائل دهه هفتاد میلادی بود که در دل بحران حکومتی و ایدئولوژیک در این کشورها "بعنوان يکى از آلترنانيوهاى راست براى تجديد سازمان حاکميت بورژوايى در مواجهه با چپ و طبقه کارگرى که با عروج کاپيتاليسم رشد پيدا کرده بود به ميدان آمد." (رجوع کنید به "عروج و افول اسلام سیاسی")

جمهوری اسلامی یک رکن مهم این جنبش ارتجاعی است. بقول منصور حکمت بدون جمهوری اسلامی این جنبش شانس زیادی برای مطرح شدن نداشت و در حاشیه سیاست میماند.

یک نتیجه مهم تاکید منصور حکمت بر خصلت سیاسی این جنبش در تقابل با تصویر ایدئولوژیک و و عقیدتی است که آکادمیسینهای غربی از "اسلام فاندامنتالیست" و جمهوری اسلامی بدست میدهند. نظریه ای که حساب ملی- اسلامیون به اپوزیسیون رانده شده را ازحکومت جدا میکند و به آنان میدان میدهد. منصور حکمت میگوید:

"اين اسلام سياسى لزوما محتواى اسکولاستيک و فقهى داده شده و متعينى ندارد. اسلام سياسى لزوما بنيادگرا و دکترينر نيست. از انعطاف پذيرى سياسى و پراگماتيسم عقيدتى خمينى تا محافل خشکه مقدس در جناح راست حکومت ايران، از نهضت آزادى و مهدى بازرگان و امل و نبيه برى مکلا و کراواتى تا طالبان، از حماس و جهاد اسلامى تا يا "پروتستانيسم اسلامى" امثال سروش و اشکورى در ايران، همه بخشهاى مختلف اين اسلام سياسى اند." همانجا

تا آنجا که به شرایط سیاسی ایران مربوط میشود این ارزیابی "جنبشی" از جمهوری اسلامی اجازه میدهد تا اپوزیسیون ملی- اسلامی آن را نیز بتوانیم عمیقا بشناسیم و نقد کنیم. یکی از نتایج این تبیین و ارزیابی مقابله سیاسی حزب ما با خط "اصلاح طلبی" است که مشخصا در سیاستهای افشاگرانه حزب در برخورد به دو خرداد از زمان اوجش در دوره ریاست جمهوری خاتمی تا برخورد به "جنبش سبز" و مذهبیون "سکولار" شده امروزی خود را نشان میدهد.

این بررسی موقعیت و سیاستهای جمهوری اسلامی بعنوان یک جزء اسلام سیاسی، بویژه امروز که اسلام سیاسی در منطقه و در کل جهان به عقب رانده شده و دوره جنگ تروریستها جای خود را به دوره انقلابات داده است، جایگاه مهمی در بررسی اوضاع سیاسی ایران و روند تحولات یافته است. بجرات میتوان گفت که بویژه امروز بررسی تحولات سیاسی در ایران بدون داشتن ارزیابی مشخصی از موقعیت جنبش اسلام سیاسی در منطقه امکان پذیر نیست.

و بالاخره باید به جایگاه فاکتورمبارزات و اعتراضات مردم در نظرات منصور حکمت اشاره کنم. در نظرات منصور حکمت حتی در اوج قدر قدرتی جمهوری اسلامی - در دهه شصت شمسی- همچنانکه در اوج افسار گسیختگی ارتجاع جهانی - بعد از فروپاشی دیوار برلین- همیشه مبارزات کارگران و اعتراضات توده مردم نقش برجسته و تعیین کنده ای داشت و کسب آمادگی برای ایفای نقش و بدست گرفتن رهبری این مبارزات یک رکن همیشگی تاکتیکها و موضعگیریهای وی بود. بعنوان نمونه این نظریه که جنبش کارگری همواره فعال و در جنب و جوش است و تاکید بر نقش محافل کارگری و آژیتاتورها و رهبران عملی در جنبش کارگری - در بدو تشکل حزب کمونیست ایران در دوره بعد از سرکوب خرداد شصت، و بعد - در مقطع تشکیل حزب کمونیست کارگری در آستانه فروپاشی دیوار برلین- نشان دادن و برجسته کردن این واقعیت که کمونیسم کارگری یک جنبش زنده و موجود و داده شده در جامعه و یک گرایش قوی در جنبش کارگری است و وجود این جنبش باید پیش فرض موجودیت و سیاستها و فعالیتهای حزب باشد، از جمله موارد مشخصی است که بروشنی نقش مبارزات کارگران و توده مردم را دیدگاه منصور حکمت بیان میکند. او مدام و در نوشته ها و سخنرانیهای متعددی بر این تاکید میکند که وجود اعتراض و مبارزه در جامعه را باید فرض گرفت و کار حزب خلق کردن و براه انداختن مبارزه و اعتراض و انقلاب نیست بلکه دخالتگری و سازماندهی و رهبری آنست. با این دیگاه بود که منصور حکمت شورش هیجده تیر را آغاز جنبش توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی ارزیابی کرد و آز آن پس جنبش سرنگونی یک فاکتور مهم در تاکتیکها و سیاستهای حزب در قبال تحولات مختلف بوده است. خیزش انقلاب سال ۸۸ در واقع یک نقطه اوج جنبش سرنگونی طلبانه ای بود که از دهسال قبل منصور حکمت آن را به رسمیت شناخته بود و پرچمش را برابر جمهوری اسلامی با جناحبندی های مختلف آن و اقسام "اپوزیسیون" استحاله چی و اصلاح طلبش برافراشته بود. او حتی در نوشته "زیر حجاب اختناق" به روشنی مکانیسمهای شکل گیری و سر برآوردن چنین جنبشی را بررسی کرده و پیش بینی کرده بود. این ارزیابی چنان عمیق و دقیق و واقع بینانه است که گوئی بعد از خیزش انقلابی هشتاد و هشت و در باره آن نوشته شده است.

به عنوان آخرین نکته باید به نظریه حزب و جامعه و بویژه حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت اشاره کنم. به نظر من تجربه ۸۸ در ایران و تجربه انقلابات منطقه و جنبش موسوم به جنبش اشغال در سطح جهانی نقش و جایگاه حیاتی حزب و حزبیت کمونیستی را در تحولات انقلابی بروشنی نشان میدهد و برجسته میکند. حضور یک حزب کمونیست سیاسی و اجتماعی بر اساس تعریف و مشخصاتی که منصور حکمت در نظریه حزب و جامعه بدست میدهد شرط لازم و تعیین کننده پیشروی و پیروزی تحولات زیر و رو کننده ای است که امروز در ایران و در جهان شاهد آن هستیم.

در یک مقیاس جهانی همین نگرش و متدولوژی را در برخورد منصور حکمت به یازده سپتامبر می بینیم. او در جنگ بین قطبهای تروریستی جبهه سوم جبهه مردم متمدن جهان را نمایندگی میکند و نوید میدهد که این غول خفته بپا خواهد خاست و بدوره سیاه تقابل تروریستها نقطه پایان خواهد گذاشت و امروز دنیا شاهد تحقق این پیش بینی اوست.

نظرات منصور حکمت در قبال جمهوری اسلامی ابعاد و مولفه های بیشتری دارد که اینجا فرصت پرداختن به همه آنها نیست. بعنوان نمونه اولین نوشته های تئوریک وی در مورد شرایط سیاسی و اقتصادی در ایران - "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی"، "دو جناح در ضد انقلاب بورژا امپریالیستی"، "تئوری مارکسیستی بحران"، "جنبش دهقانی بعد از حل امپریالیستی مساله ارضی"، "دولت در دوران انقلابی" و غیره - تا همین امروز از ارکان شناخت شرایط اقتصادی- سیاسی در ایران، و حتی در مواردی - مثل تز "دولت در دوره های انقلابی" - در شناخت شرایط منطقه محسوب میشود. امیدوارم در فرصتهای دیگری به این بحث نیز بپردازم. تنها اجازه بدهید بعنوان حسن ختام قمستی از همان نوشته "عروج و افول اسلامی سیاسی" را در اینجا نقل کنم که گوئی وصف حال شرایط انفجار آمیز امروز جامعه ایران و سر برآوردن اعتراضات ضد مذهبی است که حول فتوای قتل شاهین نجفی و اعتراض عریان علیا المهدی شکل گرفته است:

"بديهى است که با بالا گرفتن قدرت اسلام سياسى فشار براى احياى ظواهر مذهبى در جامعه شدت ميگيرد. اما اين يک فشار سياسى است. مردم به اين فشار بعضا تمکين ميکنند. پشتوانه اين "رنسانس" اسلامى خشونت و ترور است. در الجزاير به يک شکل و در ايران به شکل ديگر.

در ايران واقعيت اين است که برعکس، به تناسب عروج اسلام سياسى و حاکميت دينى، موج بازگشت ضد اسلامى در سطح معنوى و عقيدتى و در زندگى شخصى مردم به طرز خيره کننده اى بالاگرفته است. عروج اسلامى سياسى در ايران مقدمه اى بر يک انقلاب فرهنگى ضد اسلامى و ضد دينى در اذهان مردم و بويژه نسل جوان شده است که با يک انفجار عظيم جهان را متوجه خود خواهد کرد و شيپور پايان عملى اسلام سياسى در کل خاورميانه را به صدا در خواهد آورد".